

حتی اگر کسی ظاهر بین باشد و به ملاقات فیزیکی و شاگردی ظاهری هم توجه کند باز مرحوم امام چنین رابطهای با نائینی داشته است. ولیکن صحبت این نیست که او را از نزدیک دیده باشد یا خیر. امثال مرحوم امام (ره) و آیتا... خوبی که شاگردان نائینی بودند تصریح می کنند که نائینی ولایت عامه فقیه را قبول داشته است



اینها حدود ۹ ماه در قم بودند و تمام شاگردان شیخ عبدالکریم حائری از جمله مرحوم آیتا... گلپایگانی، مرحوم امام (ره)، مرحوم آیتا... اراکی و غیره در درس این ۴ نفر شرکت می کنند. البته این ۴ نفر وقتی به قم آمدند به لحاظ علمی قم را به آتش کشیدند و قم یکباره زمین تا آسمان متفاوت شده بود. شیخ عبدالکریم فرد آرامی بود و آرام بحث می کرد. اما این ۴ نفر مخصوصا نائینی، محقق اصفهانی و آقا ضیا غوغا می کردند و قم را منفجر کردند. بخشی از رشد علمی تصاعدی قم ناشی از این چهار نفر بود که ۹ ماه در قم بودند. منتها در این ۹ ماه مرتب درس برگزار کردند. بنابراین حتی اگر کسی ظاهر بین باشد و به ملاقات فیزیکی و شاگردی ظاهری هم توجه کند باز مرحوم امام چنین رابطهای با نائینی داشته است. ولیکن صحبت این نیست که او را از نزدیک دیده باشد یا خیر. امثال مرحوم امام (ره) و آیتا... خوبی که شاگردان نائینی بودند تصریح می کنند که نائینی ولایت عامه فقیه را قبول داشته است.

خلاصه این که برای این که ما قائل باشیم به این که مرحوم نائینی ولایت مطلقه فقیه و نیابت عامه فقیه در عصر غیبت را قبول داشتند، می توانیم به آن چه در کتاب تنبیه الامه بوده است و الان نیست، و آن چه در کتاب تنبیه الامه بوده است و الان هم هست، گذشته از منابع بیرونی که وجود دارد، استناد کنیم. آن چه در تنبیه الامه بوده است و الان نیست، آن دو فصلی است که خود ایشان عنوانی که برای آنها انتخاب کرده است، اثبات ولایت فقیه، است. عنوان معنا دارد. می توانست عنوان را بحثی بر این موضوع انتخاب کند یا رساله فی ولایت الفقیه بگذارد چون این مدل نام گذاری ها مرسوم بود بین علما اما ایشان این کار را نکرده و عنوان اثبات است. نکته دیگر این که از آن چه بوده و الان هم هست، می توانیم در این باره از خود کتاب تنبیه الامه، کد بدهیم و خط به خط کتاب تنبیه الامه را بازخوانی کنیم و بر اساس این ببینیم آیا ایشان ولایت فقیه را قبول داشته یا خیر. اینجا جایی است که ما باشیم و تنبیه الامه باشد. اما اگر بخواهیم علاوه بر تنبیه الامه سراغ منابع بیرونی برویم باید مجموعه منابع را ببینیم. مجموعه نقلها را ببینیم نه این که فقط یک نقل خاص را ببینیم و همان را مبنایی برای این قرار دهیم که دیدگاه به نائینی نسبتی دهیم یا از او سلب کنیم. لذا گمان می کنم این به دور از روش علمی و پژوهشی است که برخی انجام می دهند.

دانشسته است استناد کنیم که پس نائینی ولایت مطلقه فقیه را قبول نداشته است، ما به این تحکم و حرف زور می گوئیم. این قابل قبول نیست. فقهای بزرگی که تسلط ویژه ای بر آرای نائینی دارند، یعنی یا شاگرد او هستند و یا مکتب او را خوب مسلط هستند، تصریح می کنند نائینی ولایت مطلقه فقیه را قبول داشت. مرحوم آیتا... خوبی که شاگرد مرحوم نائینی است و مقرر اصول نائینی است، ایشان تصریح می کند نائینی ولایت فقیه را قبول دارد. مرحوم امام خمینی (ره) تصریح می کنند که نائینی ولایت مطلقه فقیه را قبول دارند. می گویند تمام شئون را نائینی برای فقیه اثبات می کند. کسی شاید بگوید امام (ره) نائینی را ندیده بوده است. اولاً دیدن فیزیکی اهمیتی در این بحث ندارد و مهم احاطه بر آثار و کتابها است. هر چند اتفاقاً امام (ره) نائینی را دیده است و او را از نزدیک مشاهده کرده است. این چیزی است که خیلی ها از آن بی خبر هستند. در آغازی که شیخ موسس، شیخ عبدالکریم حائری، از اراک به قم آمد و ساکن شد و حوزه علمیه قم را احیا کرد، استعمار انگلیس در عراق به علمای نجف فشار آورد و اینها را تبعید کردند. علمای نجف چه کسانی بودند؟ سید ابوالحسن اصفهانی، مرجع تقلید وقت، میرزای نائینی، محقق اصفهانی و آقا ضیای عراقی. این ۴ نفر از نجف به کربلا تبعید می شوند. اول به کربلا می روند و مدتی در آنجا هستند که باز به آنها فشار می آورند که اینجا هم نباید بمانید و باید بیرون از عراق بروید. اینها به سمت ایران می آیند. همه ایرانی بودند و در ایران که مملکت شیعه است راحت تر هستند. در ایران هم به قم آمدند چون شنیده بودند شیخ عبدالکریم به تازگی به قم آمده و حوزه مفصلی در قم ترتیب داده است.

چه جهت و جهی دارد که این افراد این چنین تلاش می کنند، در جای خود بماند. اما در باب نائینی لااقل در باب تنبیه الامه این وصله نمی چسبد. من دیدم که آقایی زحمت کشیده و تقریرات نائینی به قلم مرحوم خوانساری را آورده که نشان دهد نائینی ولایت فقیه را قبول نداشته است. اگر پژوهشگر و نویسندگانی می خواهد به بررسی دیدگاه کلی میرزای نائینی درباره ولایت فقیه و ولایت عامه فقیه در عصر غیبت بپردازد طبیعتاً باید مجموعه میراث علمی و فقهی، اعم از تالیف، تقریر و غیره که از ایشان به جای مانده را مورد مطالعه قرار دهد که در این میان یکی از آثار و کتابهایی که باید بررسی کنند تنبیه الامه است. ولی اگر قرار است دیدگاه میرزای نائینی در باب ولایت عامه فقیه مشخصاً در کتاب تنبیه الامه بررسی شود باید متن همین کتاب محور مطالعه و پژوهش باشد و مراجعه به مراجع دیگر جنبه فرعی و کمکی داشته باشد. در این صورت اگر از متن کتاب تنبیه الامه دیدگاه روشنی در نفی یا اثبات ولایت فقیه به دست آمده، منطقاً و علماً نمی توان آن دیدگاه را به نحو آن چه به صورت احتمالی و حتی واضح و قطعی از آثار دیگر ایشان که احیاناً به قلم آن مرحوم نیست، برداشت می شود، تخطئه کرد و نادیده گرفت. از مرحوم نائینی دو تقریر وجود دارد که یکی به قلم مرحوم خوانساری و دیگری به قلم مرحوم آملی است. تقریر مرحوم آقا شیخ محمد تقی آملی به صراحت، اثبات ولایت مطلقه فقیه است. مقبوله عمر بن حنظله در آنجا مطرح شده، استدلال شده و نتیجه گیری شده و ولایت مطلقه فقیه در آنجا اثبات شده است و مطلب تمام است. در تقریرات مرحوم خوانساری، از همین مقبوله عمر بن حنظله استفاده شده، استدلال قوی و مستحکمی بر اثبات ولایت مطلقه فقیه شده اما فقط در انتها بیان کرده است استنباط این امر مشکل است. یعنی آن نتیجه گیری که در تقریر مرحوم آملی وجود دارد در خوانساری نیست و به شکل مبهم و مشکل رها شده است. این که ما از میان این دو تقریر، خوانساری را انتخاب کنیم، آن هم به همین مقدار که ایشان این را مشکل